

قتل شبه عمد ، خطای محض و هاده (۳۳۷) قانون مجازات اسلامی

محمدرضا نظری نژاد کیاشی



۱- کلیات:

جامعه برای بقا و حصول به آرمان‌ها و اهداف خویش نیازمند نظم است. امروزه نظم در پرتو قوانین استوار و محکم، محقق می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در وضعیت قوانین کشور نیز انقلابی به وقوع پیوست و آن پیروی قانونگذار از منابع فقهی و فتاوی‌ای فقهی بود. در تنظیم قوانین، علاوه بر تبعیت از نظریات فقهی، گاه شاهدیم که ضروریات حکومتی، مقنن را مجبور به وضع قوانینی نموده که به این شکل و سیاق در آثار فقهی به چشم نمی‌خورد. بنابراین در یک تقسیم‌بندی کلی، قوانین را می‌توان به دو نوع: قوانین شرعی و قوانین حکومتی تقسیم نمود. هدف از این مقدمه کوتاه این است که بیان شود، در مواردی به نظر می‌رسد که شاهد نوعی سردرگمی و شتابزدگی قانونگذار در اختیار نمودن عناوین و اصطلاحات به کار برده شده در نزد فقها هستیم. به طور مثال: «قتل در حکم شبه عمد» اصطلاحی است که توسط مقنن جعل شده است و در آثار فقهی بدین شکل و سیاق به چشم نمی‌خورد؛ از طرف دیگر در قوانین فعلی، مواردی به چشم می‌آید که قتل منطقیاً «در حکم شبه عمد» است، ولی نظر به

تبعیت مقنن از آثار فقها، عناوین دیگری به قتل مذکور داده شده است.

هدف از نوشتار حاضر این است که بررسی گردد آیا عبارات «شبه عمد» و «خطای محض» به کار رفته در ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی، در معانی صحیح خود استعمال شده‌اند یا خیر؟

برای این مقصود پس از بیان کلیاتی در مورد تصادم، هدف این است که ضمن تبیین و تعریف عناصر «قتل شبه عمد» و «خطای محض» به این پرسش پاسخ داده شود که آیا با توجه به قوانین موضوعه فعلی جمهوری اسلامی ایران می‌توان در قتل ناشی از تصادم، تصور «خطای محض یا شبه عمد» بودن قتل را نمود.

ماده ۳۳۷ ق.م.ا: «هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد، راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطای محض، عاقله هر کدام عهده‌دار نصف دیه تمام سرنشینان می‌باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبه عمد و دیگری خطای محض باشد ضامن بر حسب مورد پرداخت خواهد شد.

تبصره: در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده‌ها باشد مانند آن که در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچ‌گونه ضمانتی در بین نیست.»

«تصادم» در لغت به معنای به هم واگرفتن (زوزنی)، برهم‌زدن و با هم کوفتن و انبوهی کردن (منتهی الارب ناظم الاطباء)، به هم کوفته شدن (مجمل اللغة)، تصادم کردن و به هم خوردن و دچار شدن، آمده است.

التصادم: برخورد دو وسیله نقلیه و ضرر وارد آمدن به آنها، تصادف: (فرهنگ لاروس).

اما معنای اصطلاحی تصادم: تصادم از باب تفاعل است. باب تفاعل برای بیان مشارکت می‌باشد بنابراین طبق این معنا، طرفین تصادم، در نتیجه خسارت‌آمیز باید مشارکت داشته باشند و مشارکت در نتیجه خسارت‌آمیز تصادم، لزوماً ناشی از حرکت وسایل نقلیه خواهد بود. بنابراین اگر در موردی در بروز خسارت ناشی از تصادم، مشارکتی موجود نباشد، بلکه تنها فعل یکی از طرفین ایجادکننده خسارت باشد موضوع از عنوان تصادم خارج است؛ مانند اینکه راننده‌ای با

نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخصی را نداشته باشد» عناصر و ارکان قتل مطابق بند «ب» ماده ۲۰۶ از قرار زیر است:

(۱) اراده ارتکاب، (۲) قصد فعل بر شخص مجنی علیه، (۳) نوعاً کشنده بودن فعل مجرمانه، (۴) رابطه استنادی بین فعل و نتیجه مجرمانه. که در صورت تحقق همه اینها، قتل عمد بنا بر نظر عده‌ای در حکم عمدی خواهد بود، در حالی که اگر در این نکته که «قتل ناشی از تصادفات رانندگی از جرایم غیر عمدی است» اتفاق نظر وجود داشته باشد، لازم می‌آید که به مقدمه آن که «عدم وجود قصد فعل بر مجنی علیه» است نیز معتقد بود.

بنابراین قتل ناشی از تصادفات رانندگی، «قتل شبه عمد» نخواهد بود، چون نمی‌توان از «قصد فعل وارده بر مجنی علیه» سخن گفت در حالی که وجود این «قصد فعل» برای تحقق «قتل شبه عمد» یک ضرورت است. بنابراین باید گفت در تصادفات و تصادمات رانندگی، رانندگان وسایل نقلیه بدون اینکه نسبت به سرنشینان یا عابران، قصد فعلی داشته باشند تنها در اثر بی احتیاطی، عدم رعایت مقررات و سایر مصادیق خطای جزایی، سبب قتل می‌شوند. عناصر و ارکان قتل در فرض مذکور از این قرار است: (۱) اراده ارتکاب، (۲) نداشتن قصد فعل بر روی مجنی علیه، (۳) نداشتن قصد نتیجه، (۴) وجود خطای جزایی، (۵) احراز رابطه استنادی بین خطای جزایی و نتیجه حاصله. این چنین قتلی در قانون مجازات اسلامی «در حکم شبه عمد» دانسته شده است که حکم آن در تبصره ۳ ماده ۲۹۵ چنین آمده است: «هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شد حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود.» در واقع قتلی که اصولاً «خطای محض» باید به شمار آید به دلیل اینکه نه قصد فعل وجود دارد و نه قصد کشتن، قانونگذار طی یک حکم

جنایت گرددد...».

با مذاقه در این تعریف می‌توان عناصر و ارکان «قتل شبه عمد» را بدین نحو مورد اشاره قرار داد:

(۱) اراده ارتکاب که لازمه وقوع و تحقق هر جرمی است، (۲) قصد فعل بر شخص مجنی علیه، (۳) نداشتن قصد نتیجه یا قصد کشتن، (۴) نوعاً کشنده نبودن فعل مجرمانه، (۵) وجود رابطه استنادی بین فعل مجرمانه و نتیجه.

به طور خلاصه، علی‌رغم اینکه عمل نوعاً کشنده نیست و متهم نیز قصد کشتن ندارد ولی از عمل او اتفاقاً نتیجه‌ای به بار می‌آید که استناد به فعل او دارد. پرسش این است که آیا در تصادم وسایل نقلیه و کشته شدن سرنشینان آن می‌توان گفت که قتل شبه عمد رخ داده است؟ گفته شد برای اینکه قتلی، شبه عمد تلقی گردد، وجود «قصد فعل بر مجنی علیه» یک عنصر ضروری است از طرف دیگر، این فعل قصد شده بر روی مجنی علیه نباید نوعاً کشنده باشد. با قبول این دو نکته باید گفت که در تصادم وسایل نقلیه و به‌طور کلی در تصادفات رانندگی نمی‌توان تصور قتل شبه عمد را نمود؛ زیرا در صورتی که راننده‌ای «قصد فعل بر روی مجنی علیه» را نماید، چون نوع فعل رانندگی غالباً و نوعاً کشنده است، قتل فوق داخل در مبحث قتل‌های عمدی از جمله بند «ب» ماده ۲۰۶ ق.م.ا. خواهد بود که اشعار می‌دارد: «مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که

حرکت به وسیله نقلیه منفعل و یا ساکن برخورد می‌کند. با توجه به آنچه گفته شد، مشخصات تصادم موضوع ماده ۳۳۷ ق.م.ا. از قرار زیر است:

۱ - برخورد دو وسیله نقلیه باید خسارت‌زا باشد.

۲ - لازم است برخورد دو وسیله نتیجه حرکت هر دو وسیله باشد. (۲)

۳ - برخورد و شـرکت در نتیجه خسارت‌آمیز، به نحو فاعلی باشد نه انفعالی؛ «ولی اگر یکی از آنها کم حرکت باشد به طوری که صدق تصادم نکند بلکه گفته شود که دیگری به او برخورد است بر مصدوم ضمانی نیست» (۳)

«بلی اگر یکی از دو حیوان ناتوان باشد به حدی که یقین پیدا شود که با در نظر گرفتن نیرو و توان حیوان دیگر اثری بر حرکت آن مترتب نبوده دیگر به آن توجه نمی‌شود» (۴)

در مباحث بعدی اشاره خواهد شد که تصادم از مصادیق «تسبیب در ایجاد خسارت است»، اما اجمالاً در اینجا اشاره می‌شود، در فرضی که یکی از طرفین حادثه در ایجاد خسارت، برخورد و مشارکت انفعالی داشته باشد، نمی‌توان حادثه را بالتسبیب دانست بلکه باید اظهار داشت که به دلیل فقدان رابطه علیت بین فعل وسیله نقلیه منفعل و نتیجه خسارت‌بار، مسئولیت تماماً متوجه طرفی خواهد بود که از موضع فاعلی به آن دیگری برخورد کرده است. در واقع عمل او از مصادیق مباشرت است مانند برخورد اتومبیل به دو چرخه.

۲ - قتل شبه عمد و ماده ۳۳۷ ق.م.ا.:

در بند «ب» ماده ۲۹۵ ق.م.ا. در تعریف قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای شبه عمد واقع می‌شود، آمده است: «... آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آن که کسی را به قصد تأدیبه به نحوی که سبب جنایت نمی‌شود بزند و اتفاقاً موجب

مباشر کسی است که

نسبت اتلاف ولو به

ایجاد علت بر وی صادق

است

و صرفاً به لحاظ وجود خطای جزایی از شمول قواعد خطای محض خارج نموده و آن را «در حکم شبه عمد» تلقی کرده است.

در صورتی که قتل فوق را «در حکم شبه عمد» بدانیم این نتیجه به دست می آید که در صورت فقدان خطای جزایی و رعایت کلیه ضوابط ایمنی، مسئولیتی متوجه راکب بی تقصیر وسیله نقلیه نخواهد بود. مفهوم تبصره ماده ۳۳۷ ق.م.ا. مؤید این استنباط است: «در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده‌ها باشد مانند آن که در اثر ریزش کوه یا طوفان و یا دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچ گونه ضمانتی در بین نخواهد بود». در این تبصره به مثال‌هایی از اجبار مادی خارجی اشاره شده است، ولی علت حکم که در آرای فقها بیان شده است عبارت است از نداشتن تعدی و تفریط، به دیگر سخن، در هر حادثه تصادم در صورتی که تعدی و تفریط نباشد می‌توان به این تبصره استناد کرد و بیان علل و عوامل قهری می‌تواند از باب تمثیل باشد نه حصر. «چنان که مرتکب تقصیر نشده باشند و تصادم به سبب غلبه باد و شدت امواج روی داده باشد دیگر ضامن نیستند.» (۵) همچنین در تحریر الوسیله آمده است: «و اگر تصادم به غیر فعل آنها و بدون تفریط آنها باشد به اینکه باد بر آنها غلبه کند ضمانتی نیست و اگر یکی از آنها تفریط کند نه دیگری پس مفرط ضامن است.» (۶)

استدلال دیگر، از جهت شمول تبصره ماده ۳۳۷ ق.م.ا. به رانندگان فاقد خطای جزایی این است که تبصره ماده ۳۳۷ ق.م.ا. از قواعد ارفاق‌آمیز است و قوانین ارفاق‌آمیز را می‌توان به طور موسع و به نفع متهم تفسیر کرد.

۳- آیا در تصادم وسایل نقلیه، قتل خطای محض قابل تصور است؟

در پاسخ به این پرسش باید دید آیا واقعه تصادم از مصادیق مباشرت است یا از افراد تسبیب؟ اگر از مصادیق مباشرت به حساب آید با توجه به اینکه در مباشرت تحقق مسئولیت تنها منوط به احراز رابطه علیت است، به

می‌توان عناصر و ارکان «قتل شبه عمد» را بدین نحو مورد اشاره قرار داد:

۱) اراده ارتکاب که لازمه وقوع و تحقق هر جرمی است، ۲) قصد فعل بر شرفص مجنی‌علیه، ۳) نداشتن قصد نتیجه یا قصد کشتن، ۴) نوعاً کشنده نبودن فعل مجرمانه، ۵) وجود رابطه استنادی بین فعل مجرمانه و نتیجه

محض احراز رابطه علیت و تسبیب باید رانندگان را مقصر و مسئول دانست. اما اگر واقعه تصادم از مصادیق تسبیب باشد، تنها اثبات رابطه علیت بین فعل راکبان وسایل نقلیه و نتیجه، کافی برای تحقق مسئولیت نیست؛ به عبارت دیگر، به عمل آنها تنها از جهت مادی نگریسته نمی‌شود بلکه در آن فعل باید تقصیری نیز مشاهده گردد. بنابراین مسئولیت در تسبیب، فرع بر اثبات خطا و تقصیر جزایی است و در صورت فقدان خطا و تقصیر، مسئولیتی در بین نخواهد بود: «شرط ضمان در تسبیب عدوانی بودن سبب است و سبب در صورتی مسئول جنایت قلمداد می‌گردد که غیر شرعی و غیر قانونی بوده یا از نظر عرف و عادت فعل وی یک اقدام عدوانی نشده باشد.» (۷) «تشخیص عدوانی بودن فعل که به داوری عرف واگذار شده شامل هر نوع تعدی و تفریط می‌گردد بنابراین در صورتی که سبب در اقدامات خود هیچ تعدی و تفریطی نداشته باشد نسبت به جنایت واقع شده مسئولیتی نخواهد داشت.» (۸)

مضافاً اینکه با توجه به تقسیم قتل به پنج نوع: عمد، شبه عمد، خطای محض، در حکم خطای محض و در حکم شبه عمد در قانون مجازات اسلامی، قتل خطای محض زمانی قابل تحقق است که واقعه تصادم (قتل ناشی از

تصادم) بالمباشره باشد اما در صورتی که قتل بالتسبیب رخ دهد، نظر به اینکه در تسبیب، مسئولیت زمانی مستقر می‌گردد که تعدی و عدوانی در بین باشد، و قتل همراه با عدوان و خطای جزایی مشمول تبصره ۳ ماده ۲۹۵ «در حکم شبه عمد» می‌باشد، نمی‌توان از «خطای محض بودن قتل» سخن به میان آورد: «زیرا اگر کسی با ایجاد سبب موجب قتل یا جرح یا ضرب دیگری گردد، فقط اگر مرتکب تعدی و تفریط شده باشد، نسبت به جنایت حاصله مسئولیت خواهد داشت که در این صورت با وجود خطای جزایی (تعدی و تفریط) جنایت ارتکابی «در حکم شبه عمد» قلمداد می‌گردد.» (۹) با توجه به مقدمه فوق باید دید که آیا قتل ناشی از تصادم می‌تواند از مصادیق مباشرت یا شرکت بالمباشره باشد یا خیر؟

مباشرت: «مباشر کسی است که نسبت اتلاف ولو به ایجاد علت بر وی صادق است.» (۱۰) «ضابط در مباشر صدق انتساب قتل به فعل جانی است هر چند جنایت با وسایل و ابزار صورت گرفته باشد به نحوی که عرف بی‌هیچ تأویلی قتل را منتسب به قاتل بدانند.» (۱۱) حال با توجه به تعریف مباشرت آیا می‌توان گفت: مثلاً در تصادم وسیله نقلیه «الف» و «ب» عمل انحصاری «الف» سبب قتل سرنشینان «ب» و بالعکس می‌شود؟ در تصادم وسایل نقلیه نمی‌توان گفت که هر یک از راکبان وسایل نقلیه مقابل شده‌اند بلکه مجموعاً با انجام اعمالی، علت قتل سرنشینان خود را فراهم می‌آورند به عبارت دیگر، آنچه سبب قتل گردیده نه فعل انحصاری هر یک بلکه مجموع اعمال آنهاست، حال آیا می‌توان اعمال راکبان وسایل نقلیه را از مصادیق شرکت بالمباشره نامید؟

شرکت بالمباشره به دو نحو قابل تحقق است: یا طرفین شرکت در فعل واحد اجتماع و مشارکت می‌ورزند، مثل اینکه همگی سنگی را بلند کرده و بر سر فردی می‌کوبند. روشن

است که عمل راکبان وسایل نقلیه در حادثه تصادم، این شق از شرکت نمی‌تواند باشد؛ زیرا فعل مشترک که طرفین تصادم در آن اجتماع نمایند وجود ندارد، بلکه «هریک از دو طرف تمام فعل را مستقلاً انجام داده و هیچ فعل مشترک قابل انتساب به هر دو انجام نشده است، منتها تأثیر هر یک از این دو فعل مستقل دو طرف نسبت به ورود خسارت به طرف دیگر با وساطت و دخالت فعل طرف دیگر محقق می‌گردد.» (تصادم را نیز نمی‌توان فعل طرفین نامید) زیرا تصادم در حقیقت فعل طرفین نیست بلکه نتیجه فعل دو طرف است.» (۱۲)

شق دوم شرکت بالمباشره این است که طرفین در جزئی از نتیجه خسارت آمیز به نحو مستقیم و مباشرت آمیز دخالت می‌نمایند، مثلاً: هر یک با چاقو به بدن مجنی‌علیه می‌زنند و او در اثر تمامی این ضربات می‌میرد. به عبارت بهتر، در این شق از شرکت بالمباشره طرفین شرکت در فعل مشارکتی ندارند بلکه در نتیجه شریک هستند اما فعل آنها در ایجاد نتیجه، فعلی است مستقیم و مباشرت آمیز که می‌توان آن را مباشرت جزئی نامید و چنین شرکتی را اجتماع مباشرتهای جزئی در تحقق نتیجه دانست. عمل راکبان وسایل نقلیه در حادثه تصادم مشمول این شق از شرکت نیز نیست؛ زیرا آنها به طور مستقیم در هیچ جزئی از نتیجه خسارت آمیز، شرکت ندارند.

به طور خلاصه، در تصادم، طرفین هر چند در نتیجه جرم و خسارت شریک هستند اما نه به نحو مباشرت و مستقیم، بلکه به نحو تسبیب که می‌توان آن را چنین نامید: شرکت در نتیجه به وسیله اجتماع اسباب. بنابراین عمل رانندگان وسایل نقلیه در ایجاد تصادم و وقوع نتیجه خسارت بار از مصادیق مباشرت و شرکت ناشی از مباشرت نبوده بلکه از مصادیق تسبیب است: «تحلیل واقعه تشخیص همه عوامل مؤثر در وقوع تصادم، تسبیب بودن تصادم خسارت‌زا را ثابت می‌کند؛ چه اینکه

منحصراً فعل این یا آن راننده موجب تصادم نیست، بلکه در سلسله عوامل بروز تصادم و خسارت، هر یک از ایشان عاملی را ایجاد کرده و تأثیر فعل هر یک از ایشان در بروز خسارت، با وساطت و دخالت فعل دیگری تحقق یافته است.» (۱۳)

در آثار فقها ملاحظه می‌شود که آنها تصادم کشتی‌ها را در مبحث «تسبیب در جنایت» مورد بررسی قرار داده‌اند و در آنجا به دلیل تسبیبی بودن حادثه، مسئولیت را متفرع بر اثبات خطا و تفریط نموده‌اند: «هرگاه دو کشتی در اثر تفریط کشتی بانان آنها که مالک آنها نیز باشند به هم برخورد کنند برای هر یک از آنها بر عهده دیگری نصف چیزی است که تلف کرده است اما اگر تفریط نکرده باشند مثل اینکه باد و توفان بر آن دو چیره شده باشد، دیگر ضامن نیستند.» (۱۴)

امام خمینی (ره) نیز در مبحث موجبات ضمان در بخش اسباب در مسئله هفتم، مسئله تصادم کشتی‌ها را بدین نحو مورد اشاره قرار داده‌اند: «اگر دو کشتی با هم تصادم کنند و آنچه در آنها از نفس و مال هست هلاک شود پس اگر این کار به تعمد هر دو قیم آنها باشد این عمد است و اگر از عمد نباشد و تصادم به کار آنها یا تفریط آنها باشد در صورتی که قصد قتل نداشته باشند و غلبه تصادم برای منتهی شدن به قتل نباشد این شبهه عمد است یا از باب اسبابی است که موجب ضمان می‌شوند... و اگر تصادم به غیر فعل آنها و بدون تفریط آنها باشد به اینکه باد بر آنها غلبه کند، ضمانتی نیست و اگر یکی از آنها تفریط کند نه دیگری پس مفرط ضامن است و اگر یکی از دو کشتی ایستاده یا مانند ایستاده باشد و صاحبش تفریط نکرده باشد ضامن نمی‌باشد.» (۱۵)

موضوع مورد استفاده از احکام گفته شده در آثار فقها (که غالباً در آثار دیگر فقها نیز به همین نحو می‌باشد که تصادم کشتی‌ها در فصل تسبیب از موجبات ضمان مورد حکم قرار گرفته است) به طور خلاصه این است که

شبهات تصادم بین وسایل نقلیه و تصادم کشتی‌ها غیر قابل چشم‌پوشی است. بنابراین، آثار و احکام این دو موضوع تفاوتی نمی‌کند و با الغای خصوصیت از تصادم کشتی‌ها، احکام آن می‌تواند قابل اجرا برای تصادم وسایل نقلیه باشد. لذا تصادم وسایل نقلیه نیز مانند تصادم کشتی‌ها از موارد تسبیب است و چون از موارد تسبیب است، احراز مسئولیت متوقف بر اثبات تقصیر و خطاست و همین که احراز تقصیر، شرط مسئولیت باشد، نوع قتل طبق قوانین فعلی، قتل در حکم شبهه عمد خواهد بود، نه شبهه عمد و نه خطای محض. بنابراین لازم است که به جای عنوان «شبهه عمد» و «خطای محض» که به نظر می‌رسد به طور اشتباه در ماده ۳۳۷ ق.م.ا. استفاده شده است، عنوان «در حکم شبهه عمد» مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشتها:

- ۱- لغت نامه دهخدا.
- ۲- شهیدی، دکتر مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، ص ۱۳۰.
- ۳- اسلامی، علی، ترجمه تحریر الوسیله، جلد چهارم، ص ۳۶۷.
- ۴- محمدی، دکتر ابوالحسن، حقوق کیفری اسلام، ص ۴۱۸.
- ۵- محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، ص ۴۴۳.
- ۶- اسلامی، علی، منبع پیشین، ص ۳۷۱.
- ۷- حبیب‌الله رشتی، حاج میرزا، کتاب غصب، ص ۳۱، به نقل از دکتر صادقی، محمد هادی؛ حقوق جزای اختصاصی، ص ۸۰.
- ۸- طباطبائی، سیدعلی، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۵۳۹، به نقل از دکتر صادقی، محمد هادی، منبع پیشین، ص ۸۱.
- ۹- صادقی، دکتر محمد هادی، منبع پیشین، ص ۲۰۳.
- ۱۰- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۴۳.
- ۱۱- امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، جلد ۲، ص ۵۶۰، به نقل از دکتر صادقی، محمد هادی، منبع پیشین، ص ۷۷.
- ۱۲- شهیدی، دکتر مهدی، منبع پیشین، ص ۱۳۲.
- ۱۳- شهیدی، دکتر مهدی، منبع پیشین، ص ۱۳۲-۱۳۳.
- ۱۴- محمدی، دکتر ابوالحسن، منبع پیشین، ص ۴۴۲.
- ۱۵- اسلامی، علی، منبع پیشین، ص ۳۷۱.